۱۰۰ سؤال مفید

در مورد

توحید

ترجمه

عبد القادر فارسی

﴿ قُلْ إِنَّما أَدْعُواْ رَبِّي وَلا أُشْرِكُ بِهِ أحَداً ﴾

(سورة الجن / ٢٠)

١٠٠ سـؤال مفيد

در مورد

توحيـد

ترجمه

عبد القادر فارسی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد للّه الذى بدأ الخلق ثم يعيده وهو على كل شىء قدير والحمد للّه الذي خلق الخلق ليعبدوه فيجازيهم بعملهم واللّه بما يعملون بصير . فسبحانه من رب عظيم وإله غفور رحيم .

وأشهد أن لا إله إلا اللّه وحده لا شريك له فى الخلق والملك والتدبير . وأشهد أن محمداً عبده ورسوله البشير النذير والسراج المنير أرسله اللّه بين يدي الساعة فختم به الرسالة وأكمل له الدين ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ وعلى آله وأصحابه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين وسلم تسليماً .

أما بعد :

انس رضي اللّه عنه مى گويد شنيدم رسول اللّه (ﷺ) فرمود :

« اللّه تعالـی می فرماید : ای إنسـان اگر روزی که در نزد من حاضر می شـوی (روز قیامت) گنا هانت بـه اندازه تمام دنیـا باشد ولـی درزندگـیت به مـن شرك نورزیـده باشـی ، به اندازه تمام دنیا به تومغفرت وآمرزش می بخشم »

(صحيح . رواه الترمذي)

این پاداش واجرموحد است .

شخص مـوحد اگر در زندگیش مـرتکب گناه ومعـصیت شده بـاشد درآخـرت یا اینکـه مورد عفـو کلـی اللّه سـبحـانه وتعـالی قـرار خواهـد گرفـت ویا اینـکه بـه اندازه گـناهـانش درآتـش جهـنم عـذاب خـواهـد دیـد وسـپس وارد بـهشـت خواهد شد.

پـس او درآخـرت دیـر یـازود به بـهـشـت وارد مـن شـود وهرگز درجهنم جاودان نخواهدبود .

أما در طرف دیگر شخص مـشرك قرار دارد . اوحتی اگر درزندگیش حسنات زیادی انجـام داده باشد بازهم عـظمت وبزرگـی گنـاه شرك برتـمام حـسنـات او غلبـه خواهـد کرد واورا به درکات جهنم فروخواهد برد . خالق آسمانها وزمین می فرماید :

﴿ إن اللّهَ لا يَغْفِرُ أن يُشْرَكَ به ويَغْفِرُ ما دون ذلك لِمَنْ يشاء ﴾. (سورة النساء / ٤٨)

« براستی اللّه تعالی شرك ورزیدن به او را نخواهد بخشید وهر گناهی کمتر از شرك رابرای هر کس که بخواهد (یعنی اللّه تعالی) می بخشد .»

این جزای شرك ومشرکین است . خلود وجاودان بودن درآتش جهنم وبربا درفتن تمام حسنات و خوبیها .

ابن مسعود رضی اللّه عنه حدیثی روایت می کند که درآن رسول اللّه (ﷺ) می فرماید :

« من مات وهو يدعُو للّه نداً دخل النار ».

(رواه البخاري ١٧٦/٨)

« اگر کسیکه برای اللّه شریك قرار می دهد بمیرد ، وارد جهنم خواهد شد .» .

پس از تمام اینها آیا فکر نمی کنید که شناختن توحید وشرك ازفر اگیری نما زوروزه برانسان اولی ترو واجب تراست ؟ .

أما متأسفانه بسیاری از مردم به این أمر کوچکترین توجهی ندارند . به اینطرف وآنطرف خود می نگرند زبانهایی

را می بینند که به ذکر لا إله إلا اللّه مشغولند وهمچنین وقتیکه به جامعه خودمی نگرند هیچ اثری از لات وعُزّی ومناة وسایر بتها نمی بینند ، پس به خود می گویند :

الحمد للّه توحید کامل در جامعه وجود دارد وهیچگونه اثری نیزاز شرك دیده نمی شود !

بایستی از اینگونه افراد پرسید آیاتوحید فقط درزبان منحصر می شود وآیا شخص موحد کسی است که فقط بازبان لا إله إلا اللّه بگوید ؟ حتی اگر مرتکب اعمالی شود که بالا إله إلا اللّه منافات ودوگانگی داشته باشد ؟ .

وآیا شرك فقط به معنی سر سجده در مقابل لات وعُزّی فرود آوردن است ؟! و اعمالی همچون دست دعا بسوی مردگان درازکردن وبر آنها توکل کردن وتبرك جستن به خاك قبرهایشان نوعی شرك محسوب نمی شود ؟ آیا برای غیر اللّه نذرو قربانی کردن شرك نیست ؟؟؟

اگر ما با تأنی ودقت درجامعه های اسلامی بنگریم متأسفانه خواهیم دیدکه بسیاری از مسلمانان دانسته ویا نادانسته مرتکب اعمال شرك آلود می شوند وهرگز نیز حاضر به ترك اینگونه اعمال نیستند بلکه آنهارا از صمیم

واصل دين مى دانند . وبه ناصحين خود تهمت هاى گوناگون مى زنند .

سعى ما در ترجمه اين كتاب اين بوده است كه برادران مسلمان خودرا ازمعنى حقيقى توحيد آگاه سازيم وهمچنين آنهارا از شرك وانواع مختلف آن برحذر داريم .

نام اين كتاب « أصول الدين الإسلامي مع قواعده الأربع» است كه مؤلف آن شيخ الإسلام محمد بن سليمان التميمى مى باشد . وبراى اينكه فهم مطالب كتاب براى خواننده آسانتر باشدواو بهتر بتواند دليلهاى لازم راحفظ كند شيخ محمد الطيب الأنصارى المدنى ، آنرا به صورت سؤال وجواب در آورده است .

وما نيز ترجمه ـ همراه با مختصر تغييرى در ـ آنرا «صد سؤال مفيد در مورد توحيد » ناميديم . واميد واريم كه هر برادر ويا خواهر خواننده باحفظ كردن اين سئوالها وجوابها وتبليغ آن تبديل به يك داعى بسوى توحيد رب سبحانه وتعالى شود .

﴿ ومن أحسنُ قولاً ممَّن دَعَا إلى اللّه وعَمِلَ صالحاً وقال إنَّني من المسلمينَ ﴾ (سورة فصلت /٣٣) .

« سخن و گفتار چه کسی بهتر از سخن کسی است که بسوی توحید واطاعت الله دعوت دهد . وعمل صالح انجام دهد وبگوید من از مسلمانان می باشم » .

وآخر دعوانا سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين .

مترجم

عبد القادر فارسی

۱۸ شعبان ۱٤۰۹

بسم الله الرحمن الرحيم

وبه نستعين والصلاة والسلام على نبينا وعلى آله وصحبه أجمعين .

س ۱ : علماء اسلام از سوره العصر چهار أمررا نتیجه گرفته اند . این امور کدامند ؟

ج : این امور عبا رتنداز :

۱ـ شناختن اللّه تعالی ورسول او (ﷺ) ودین إسلام . واین شناخت بایستی متکی برعلم ودلیل باشد .

۲ـ عمل کردن به أموری که ناشی ازاین شناخت می باشد .

۳ـ دعوت کردن بسوی شناختن اللّه تعالی ورسول او (ﷺ) ودین إسلام .

٤ـ تحمل کردن آزار واذیتی که در راه این دعوت کردن به آن مبتلامی گردند .

س ۲ : دلیل این امور چهار گانه چیست ؟

ج : دلیل آن قول اللّه تعالی است که می فرماید :

﴿والعصر . إنَّ الإنسانَ لفی خُسْرٍ . إلاّ الذین آمَنُوا وعَمِلوا الصالحات وتَواصَوْا بالحقِّ وَتَوَاصَوْا بالصَّبْر ﴾ (سورة العصر/۱ . ۲ . ۳)

« به دهر سوگند ، که انسانها درخسران وزیان می باشند ، مگر کسانیکه ایمان آوردند (دلیل امراول) واعمال صالحه انجام دادند (دلیل أمر دوم) وهمدیگر را بسوی حق فرا خواندند (دلیل امر سوم) وهمدیگر را به صبر وتحمل وصیت کردند (دلیل امر چهارم) » .

س ۳ : امام شافعی رحمه اللّه درمورداین سوره چه گفته است ؟

ج : امام شافعی رحمه اللّه گفته است اگر اللّه تعالی فقط همین یك سوره را بربندگان نازل می کرد ، برای آنها کافی بود . (یعنی این سوره گرچه سوره کوتاهی است ، امّا تمام اساس وپایه های دین را دربر می گیرد) .

س ٤ : كداميك را بايستى مقدم داشت : علم وشناخت ويا قول وعمل ؟

ج : بايستى علم وشناخت قبل از قولّ وعمل باشد . اللّه تعالى مى فرمايد :

﴿ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لا إلـــه إلاّ الـــلّهُ واسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ ولِلْمؤمِنين والمؤمنات﴾ (سورة محمد / ١٩)

« برعلم خود به اينكه هيچ معبود برحقى جز اللّه وجود ندارد استوار وثابت قدم باش . وبراى خود ومؤمنين ومؤمنات طلب مغفرت وآمرزش كن » .

دراين آيه اللّه تعالى علم به لا إله إلاّ اللّه را براستغفار كه نوعى قول ويا عمل زبان است مقدم داشته است.

س ٥ :برهر فرد مسلمان لازم است كه سه مسأله رابه خوبى بداند وبه آنها عمل كند . اين سه مسأله كدامند ؟

ج :مسأله أول : خالق وآفريننده ما اللّه تعالى است . واوست كه به ما روزى مى رساند . وهمچنين او ما رابه حال خود رهانكرده است ، بلكه براى ما پيامبرى فرستاده تابوسيله او به ما بياموزد چگونه بايد

زندگی کنیم . وهرکه اوامر این پیامبر را اطاعت کند وارد بهشت می شود ، وهرکه ازاوامر او سرپیچی کند از اهل جهنم خواهد بود.

س ٦ : دلیل این مسأله چیست ؟ .

ج : دلیل این مسأله قول اللّه تبارك وتعالی است که می فرماید :

﴿ إنا أرسلنا إليكم رسُولاً شاهداً عليكم كما أرسلنا إلى فرعون رسولاً فعصَى فرعونُ الرسولَ فأخذناهُ أخذاً وبيلاً ﴾ (سورة المزمل / ١٥، ١٦)

« ای اهل مکه ، ما بسوی شما پیامبری فرستاده ایم که شاهد بر اعمال شماست . همانگونه که بسوی فرعون نیزپیامبری فرستادیم . ولیکن فرعون از اوامر پیامبر (موسی علیه السلام) سرپیچی کرد وما در نتیجه اورا به صورت شدیدی به هلاکت رساندیم .»

مسأله دوم :

اللّه تعالی هرگز راضی نمی شود در هیچیك از انواع عبادات با اوشریك قرار داده شود ، حتی ملائك وانبیاء را .

س ٧ : دليل اين مسأله چيست ؟

ج : دليل اين مسأله قول اللّه سبحانه وتعالى است كه مى فرمايد :

* ﴿إن اللّه لا يَغفِرُ أن يُشْرَكَ بِهِ ويَغْفِرُ ما دُون ذلك لمن يشاء﴾ * (سورة النساء / ٤٨)

« براستى اللّه تعالى شرك ورزيدن به اورا نخواهد بخشيد وهر گناهى كمتر از شرك را براى هر كس كه بخواهد (يعنى اللّه تعالى) ، مى بخشد.»

مسأله سوم :

دوست داشتن ويارى رساندن به دشمنان اللّه ورسول أو ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ برهر فرد مؤمن ومسلمان حرام مى باشد .

س ٨ : دليل اين مسأله چيست ؟

ج : دليل اين مسألة قول رب جل في علا است كه مى فرمايد :.

﴿ لا تجد قوما يؤمنون باللّه واليوم الآخر يوادون من حاد اللّه ورسوله ولو كانوا آباءهم أو أبناءهم أو إخوانهم أو عشيرتهم ﴾ (سورة المجادلة / ٢٢)

«هرگز گروهی رانمی یابی که مؤمن به اللّه وروز قیامت باشند ودشمنان اللّه ورسول أو ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ راهم دوست داشته باشند وآنها رایاری کنند. حتی اگراین دشمنان پدران ویا فرزندان ویا برادران ویا خویشاوندان آنها باشند » .

س ۹ : معنی این آیه ﴿ **وما خَلَقْتُ الجِنَّ والإنسَ إلاّ لِيَعْبُدون** ﴾ (سورة الذاريات / ٥٦) چیست ؟

ج : « جن وانس را خلق نکرده ام جز برای اینکه فقط مرا عبادت کنند » .

س ۱۰ : مراد از « يَعْبُدونِ » چیست ؟

ج : یعنی اینکه توحید مرا بجا آورندواز اوامر ونواهی من اطاعت کنند .

س ۱۱ : بزرگترین وعظیم ترین چیزی که اللّه تعالی به آن أمر کرده است چیست ؟

ج : توحید .

س ۱۲ : توحید یعنی چه ؟

ج : توحید یعنی اینکه تمام أنواع عبادات را فقط برای اللّه تعالی بجا آورده وهمچنین او را به تمام

صفتهایی که در قرآن واحادیث صحیحه ذکر شده است متصف دانسته وازهر گونه نقص وشباهت داشتن به مخلوقات پاك بدانیم .

س ۱۳ : توحید به چند دسته تقسیم می شود ؟

ج : توحید به سه دسته تقسیم می شود . توحید ربوبیت وتوحید الوهیت وتوحید اسماء وصفات .

س ۱٤ : فائدة وثمره توحید چیست ؟

ج : توحید سبب هدایت إنسان در دنیا شده وهمچنین اورا ازعذاب آخرت دراماان می دارد .

اللّه تعالی می فرماید :

﴿ **الذین آمنوا ولم يَلْبِسُوا إيمانَهُم بظلم أولئك لهم الأمْنُ وَهُم مُّهتدونَ** ﴾ (سورة الأنعام / ۸۲)

« کسانیکه ایمان آورند وإیمان خودرا به شرك آلوده نساختند از عذاب در أمان خواهند بود وآنها هدایت شدگانند » .

وهمچنین رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ می فرماید :

«حقُّ العباد على اللّه أن لا يُعَذِّب من لا يُشْرِكُ به

شيئا» (متفق عليه)
« حقی که اللّه بندگان رابه آن بشارت داده این است که ، آنهایی که به او شرك نمی ورزند را عذاب ندهد ».

س ۱۵ : بزرگترین وعظیم ترین گناهی که اللّه تعالی ما را ازآن برحذردا شته است چیست ؟
ج : شرك .
س ۱٦ : شرك یعنی چه ؟
ج : شرك یعنی قرار دادن همتا ونظیر برای اللّه تعالی در عبادات .
س ۱۷ : دلیل این امر (نهی از شرك) چیست ؟
ج : دلیل این أمر قول اللّه تعالی است که می فرماید :

﴿ واعْبُدوا اللّه ولا تُشْركوا بهِ شيئاً ﴾
(سورة النساء /٣٦)

« واللّه را عبادت کنید وبا او چیزی شریك قرار ندهید » .

وهمچنین می فرماید :
﴿ فلا تَجْعَلُوا لِلّه أنداداً ﴾ (سورة البقرة / ٢٢)

« پس برای اللّه همتا و شریکی قرار ندهید » .

س ۱۸ : آیا شخص مشرك از اعمال خود درآخرت نفعی خواهد برد ؟

ج : خیر . تمام أعمال شخص مشرك بیهوده وبدون فائده است . اللّه تعالی می فرماید :

﴿ ولو أشركوا لَحَبِط عنهم ما كانوا يعملون ﴾

(سورة الأنعام/۸۸)

« واگر (پیامبرانی که آنهارا درآیات سابقه ذکر کردیم) به اللّه شرك می ورزیدند تمام أعمال آنها باطل می گردید » .

س ۱۹ : سه أمر اساسی که بایستی هرمسلمان به خوبی آنها رابداند ، کدامندبر.

ج : این سه أمر اساسی عبا رتنداز : شناختن رب ودین او رسول أو - صلی اللّه علیه وسلم -

س ۲۰ : رب تو کیست ؟

ج : رب من وتمام مخلوقات اللّه تعالی است که ما راخلق کرده است . واو معبود برحق ما می باشد .

س ۲۱ : دلیل این قول چیست ؟

ج : دلیل این قول آیه دوم سورة الفاتحه می باشد .
﴿الْحَمْدُ للّه ربِ ّ العالمين﴾ (سورة الفاتحة / ٢)
«حمدوستایش مخصوص اللّه رب جهانیان است» .
س ٢٢ : چگونه رب خود را شناختی ؟
ج : من رب خودرا از طریق نشانه ها ومخلوقات او مثل روزوشب ، خورشید وماه ، آسمان وزمین و.... شناختم .
س ٢٣ : آیا برای این سخن ، دلیلی نیز داری ؟
ج : بله . رب جل فی علا می فرماید :
﴿ وَمنْ آياته الليلُ والنَّهارُ والشَّمسُ والْقَمَرُ لا تَسْجُدُوا للشَّمس وَلا للْقَمَرِ وَاسْجُدوا للّهِ الذي خلَقَهُنَّ إنْ كُنْتُم إيَّاهُ تَعْبُدونَ ﴾
(سورة فصلت / ٣٧)
« واز نشانه های دال بروحدانیت وعظمت او (اللّه تعالی) تعاقب شب وروز وتحت فرمان بودن خورشید وماه می باشد. اگرشما واقعاً فقط اورا عبادت می کنید ،پس هرگز برای خورشید وماه سجده نکنید ، بلکه فقط برای اللّه که آنها را خلق

کرده است سجده کنید ».
وهمچنین اللّه تعالی می فرماید :
﴿ إنَّ رَبَّكُمُ اللّهُ الذي خَلَقَ السَّموات والأرْضَ فی ستَّة أيَّام ثُمَّ اسْتَوی عَلى العَرْش ﴾
(سورة الأعراف / ٥٤)
« بی شك رب شما اللّه است که آسمانها وزمین را درشش روزخلق کرد . سپس برروی عرش قرار گرفت» .

س ٢٤ : رب يعنی چه ؟
ج : کلمه رب دارای معانی متعددی است . ازجمله :
١ ـ خالق وبوجود آورنده .
٢ـ آقا وسیدی که امر ونهی وفرما نروایی دردست او باشد .
٣ـ صاحب ومالك .
ازاین معانی نتیجه گرفته می شود فقط اللّه تعالی است که شایستگی عبادت شدن را دارد .

س ٢٥ : دلیل این أمر چیست ؟
ج : دلیل این أمر قول اللّه تعالی است که می فرماید :

﴿ يا أَيُّها النَّاسُ اعْبُدوا ربّكُمُ الَّذي خَلَقَكُمْ وَالَّذين مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُون ﴾ (سـورة البـقـرة /٢١)

« ای انسانها ، فـقـط ربتان که شما وانسـا نهای قبل از شمـا را خلق کـرده است ، عبادت کـنید . تـا که پرهیز گار شوید » .

س ٢٦ : عبادت یعنی چه ؟

ج : نهایت خشوع وتذلل را عبادت گویند .

ویا بـه عبارت دیگـر عبادت اسـم جامعی اسـت که تمام اعـمال واقوال ظاهری وبـاطنی محـبوب درنزد اللّه تعالی را شامل می شود .

س ٢٧ : اللّه تعالی ما را به چند عبادت أمر کرده است ؟

ج : عباداتی کـه اللّه تعالی ما را به آنهـا امر کرده است بسیـارند . از جمله : نمـاز ، روزه ، زکات ، حج ، دعـا ، ترس ، امیـد ، توکـل ، خـشوع ، اسـتـعانـه، استغاثه ، قربانی ، نذر وغیره .

این عـبادات وبقـیه آنهـا فقـط مخصـوص اللّه تعـالی است .

س ٢٨ : آیا برای این سخن دلیلی نیز وجود دارد ؟

ج : بله . اللّه سبحانه وتعالی می فرماید :

﴿ وأنَّ المساجِدَ للّهِ فلا تَدْعُوا مع اللّه أحداً ﴾

(سورة الجن / ١٨)

« وبی شك مساجد مخصوص عبادت اللّه تعالی است . پس غیر او را عبادت نكنید » وهمچنین اللّه تعالی می فرماید :

﴿ وقضی ربُّكَ أن لا تَعبُدوا إلا إيَّاهُ ﴾

(سورة الإسراء / ٢٣)

«ورب تو أمر كرده است كه عبادت نكنيد مگراو را»

س ٢٩ : اللّه تعالی رابه چه صورت بایستی عبادت كرد ؟

ج : اللّه تعالی را بایستی هما نگونه كه او ورسول او - صلی اللّه علیه وسلم - ما را أمر كرده اند عبادت كرد . اللّه تعالی می فرماید :

﴿ يا ايها الذين آمنوا أطيعوا اللّهَ وأطيعوا الرسولَ ولا تُبْطِلُوا أعمالَكُم ﴾ (سورة محمد /٣٣)

« ای مؤمنين از اللّه وپيامبر اطاعت كنيد واعمال خود را بسبب كفر ونفاق ومخالفت امر اللّه ورسول او باطل مگردانيد .»

وهمچـــنین رســـول اللّه ـ صلی الـلّه علیه وســـلم ـ می فرماید :

«من عمل عمـلاً لیس علیه أمرُنا فـهو رد» (رواه مسلم)

« هر کس عملی انجام دهـد که مطابق سنت وروش مانباشد عمل او مردود وغیر مقبول است »

س ۳۰ : اگر کسـی نوعی از انواع عـبادات را برای غیـر اللّه بجا آورد ، حکم اوچه خواهد بود ؟

ج : کسیکه نوعی از انواع عبادات را برای غیر اللّه بجا آورد ، مشرك وکا فراست. حتـی اگر نماز بخواندو وروزه بگیرد وخود را مسلمان بداند .

س ۳۱ : دلیل این حکم چیست ؟

ج : دلیل ایـن حکم فرمایش الـلّه سبحانه وتعـالی است که می فرماید :

﴿ ومن یدْعُ مع اللّهِ إلهاً آخَرَ لا بُرهانَ لَه بِهِ فإنَّمَا حسَابُهُ عند ربّه إنَّه لا یُفْلِحُ الکافرونَ ﴾

(سورة المؤمنون/۱۱۷)

« وهر کس برای الله شریـك قرار می دهد وآنرا با او عبادت می کند برای اینکار خود هیچ دلیل وبرهانی

ندارد . جزاء وعقاب او درنزد اللّه تعالى است . بى شك هر گز كافران رستگار وپيروز نخواهند شد » .

س ٣٢ : دليل اينكه دعاء نوعى عبادت است ، چيست ؟

ج : دليلْ اين أمر قول اللّه تعالى است كه مى فرمايد :

﴿وقال ربُّكُمُ ادعُونى أستجِبْ لكم إنَّ الذين يستكْبِرونَ عن عبادَتى سيدْخُلونَ جهنَّمَ داخِرينَ﴾ (سورة غافر / ٦٠)

« وربتان فرمود : فقط از من بخواهيد كه استجابت خواهم كرد طلبتان را. بى شك كسانيكه استكبار مى جويند از عبادت كردن من ، بزودى با ذلت وخوارى وارد جهنم خواهند شد . »

وهمچنين رسول اللّه ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ مى فرمايد :

« الدعاءُ هو العبادة »

(رواه أحمد وقال الترمذى : حسن صحيح)

« دعا از عظيم ترين أنواع عبادات است »

س ٣٣: دليل اينكه خوف وترس نوعى عبادت مى باشد ، چيست ؟ (مرادما دراينجا از ترس ، ترس غيب

می باشد . مانند اینکه در دل ما از شخصی که
کیلومترها باما فاصله دارد وصدای ما رانمی شنود
ویا اینکه درزیر قبر قرار دارد ، نوعی ترس و خوف
از او وجود داشته باشد ، که مبادا اگر فلان چرف
را بزنیم ویا فلان کار را انجام دهیم ، او از ما
ناراحت می شود وبه ما آسیب وزیان می رساند .»

ج : اللّه تبارك وتعالی می فرماید :

﴿ فلا تخافُوهُم وخافون إن كنتم مؤمنينَ ﴾

(سورة آل عمران / ١٧٥)

« پس از آنها نترسید وفقط ازمن بترسید اگر واقعاً
مؤمن هستید »

س ٣٤ : دلیل اینکه توکل کردن نوعی عبادت می باشد ،
چیست ؟

ج : دلیل این امر قول رب سبحانه وتعالی است که
می فرماید :

﴿ وعلى اللّه فتوكلوا إن كنتم مؤمنين ﴾

(سورة المائدة / ٢٣)

« وبر اللّه توکل کنید اگر واقعا مؤمن هستید.»

(ممکن است ما بعضی از امور خود رابه دیگران واگذار کنیم ، واین هیچ اشکالی ندارد البته بایستی دوچیز رامرا عات کنیم :
۱ـ این أمر فراتر از چهار چوب قدرت وتوانایی مخلوقات نباشد .
۲ـ این واگذاری با این اعتقادهمراه بناشد که فلانی حتماً اینکار را انجام خواهد داد . حتی اگر اینکار بسیار آسان وساده باشد . بلکه بایستی معتقد باشیم اگر اللّه تعالی بخواهد اینکار انجام خواهد یافت.)

س۳۵ : دلیل اینکه انابت وتوبه کردن نوعی عبادت می باشد ، چیست ؟

ج : دلیل این أمر قول اللّه تعالی است که می فرماید :

﴿ وأنيبوا إلى ربِّكُم وأسْلِمُوا لَهُ ﴾

(سورة الزمر / ٥٤)

« وبسوی ربتان باز گردید ومطیع أمر او شوید »

س ۳٦ : دلیل اینکه استعانت جستن نوعی عبادت می باشد، چیست ؟

(بایستی دانست که مراد از استعانت جستن ،

کمك طلبیدن در اموری است که این امور راکسی جز اللّه تعالی نمی تواند انجام دهد . ویا ممکن است برآ ورده کردن شیء مطلوب درقدرت انسان باشد ، ولی انسانی که از او استعانت جسته می شود درنزد شخص نباشد . ما نندکسیکه دستش را بلندکرده واز شخصی که کیلو مترها از او دور می باشد طلب برآورده کردن حاجتش را کند .)

ج : دلیل این أمر آیه پنجم سوره الفاتحه می باشد :

﴿**إياك نعبد وإياك نستعين**﴾ (سورة الفاتحة / ٥)

«فقط تورا عبادت می کنیم وفقط از تواستعانت وکمك می جوئیم» وهمچنین رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ می فرماید :

« وإذا استعنْتَ فاستعِن باللّه » .

(حسن صحيح . رواه الترمذي)

«وهنگامیکه خواستی طلب کمك کنی ، آنرا از اللّه تعالی طلب کن . »

س ٣٧ : دلیل اینکه پناه بردن نوعی عبادت می باشد ، چیست ؟

ج : دليل اين أمر قـول اللّه سبحانه وتعـالـى اســت كه
مى فرمايد :
﴿ قل أعوذ بربِّ الناسِ مَلِكِ النَّاس﴾
(سورة الناس / ١، ٢)
«بگـوپنـاه مى برم بـه رب انسـانها ، پـادشاه ومـالك
انسانها » .

س ٣٨ : دليل اينكه استغـاثة جستـن نوعى عبادت مـى باشد
چيست ؟

ج : دليل اين أمر قول اللّه عز وجل است كه مى فرمايد:
﴿ إذْ تستغيثُونَ ربكُم فاستجابَ لكم أنِّى مُمِدُّكُم بألفٍ من الملائكةِ مُرْدفينَ ﴾
(سورة الأنفال / ٩)
« بياد آوريد هنـگامى را كه از ربتان استغاثـة جستيد
(درغزوه بدر) واو نيـزدعاى شما را استجـابت كرد
وفرمود : من شما را به هز ار فرشته كه گروه گروه
نازل مى شـوند ، يا رى مى دهـم» (فرق استغـاثة با
استعانـة اين اسـت كه در اسـتغـاثة انـسان كـمكـى
فورى طلـب مى كند . مانـند كسيكـه در حال غرق

شدن باشد . اما درا ستعانة كمك خواسته شده ممكن است فورى نباشد) .

س ۳۹ : دليل اينكه ذبح (قربانى) كردن نوعى عبادت مى باشد ، چيست ؟

ج : دليل اين أمر قول رب تبارك وتعالى است كه مى فرمايد :

﴿ قُلْ إنَّ صَلاَتى وَنُسُكي ومَحْيَايَ ومَمَاتي للّهِ ربِّ العالمينَ لا شريكَ له وبذلك أمِرْتُ وأنا أولُ المسلمينَ﴾ (سورة الأنعام / ١٦٢.١٦٣)

«بگوبى شك نما زمن وقربانى ام وزندگيم ووفاتم براى اللّه ، رب عالميان است . شريكى براى اونيست. ومن مأمور شده ام عبادات خود را فقط براى اللّه بجا آورم . ومن اولين مسلمان در أمتم مى باشم . »

وهمچنين رسول اللّه ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ مى فرمايد :

« لعن اللّهُ من ذبح لغير اللّه » (رواه مسلم)

« اللّه لعنت كرده است كسى راكه براى غير او

ذبح (قربانی) کند »

س ٤٠ : دلیل اینکه نذر وطواف کردن نوعی عبادت می باشد ، چیست ؟

ج : دلیل این أمر قول رب العالمین سبحانه وتعالی است که می فرماید :

﴿ وَلْيُوفوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفوا بِالْبَيْتِ الْعتيق ﴾

(سورة الحج / ٢٩)

« وبه نذرهای خود وفا ، وبه دور خانه کعبه طواف کنند »

س ٤١ : اگر کسی برای غیر اللّه نذر کرد وسپس دانست که این عمل نوعی شرك می باشد ، آیا بایستی به نذر خود وفا کند ؟

ج : خیر . نمی بایست به این نذر وفا کند . رسول اللّه ـ صلی الله علیه وسلم ـ می فرماید :

« من نذر أن يُطيعَ اللّهَ فَلْيُطِعْهُ ، ومن نذر أن يَعصيه فلا يعصه » (رواه البخاري)

« هرکس برای اللّه طاعتی نذر کرد ، باید به آن عمل کند وهرکس معصیتی نذر کرد نباید به آن عمل کند»

وهما نطور كـه مى دانيم عظيم ترين گنـاه ومعصيت شرك مى باشد .

س ٤٢ : حكم سحر چيست ؟

ج : سحر نوعى كفر مى باشد . اللّه تعالى مى فرمايد :

﴿ولكنَّ الشياطين كفرُوا يعلِّمونَ الناسَ السِّحْرَ﴾

(سورة البقرة / ١٠٢)

« وليكن شـياطين كفر ورزيـدند وآنها هسـتند كه به مردم سحرو جادو يا دمى دهند »

وهمـچنيـن رسول اللّه ـ صلـى اللّه عليه وسلـم ـ مى فرمايد :

«اجـتـنـبـوا الـسـبـع الـمـوبـقـات : الـشـرك بـالـلّه ، والسحر.... »

« ازهفت امـر هلاك كننـده دورى جوييد : شـرك به اللّه وسحر ... »

س ٤٣ : اسلام يعنى چه ؟

ج : اسلام يعنى تـسليم بودن در برابر اوامر الـلّه سبحانه وتعالى .

س ٤٤ : آيا مراتب دين اسلام رامى دانى ؟

ج : بله . مراتب دين اسلام عبا رتنداز : ۱ / اسلام ۲/ ایمان ۳/ إحسان . وهر كدام از اين مراتب ومنزلتها برای خود ارکانی دارند.

س ٤٥ : أركان اسلام چند تاست ؟

ج : اركان اسلام پنج تاست . ۱/شهادت « لا إله إلا اللّه ومحمد رسول اللّه » ۲ / نماز ۳/زكات ٤/ روزه رمضان ٥/ حج .

س ٤٦ : دليل بر شهادت « لا إله إلا اللّه » چيست ؟

ج : دليل اين شهادت قول اللّه سبحانه وتعالى است كه مى فرمايد :

﴿شهد اللّهُ أنه لا إله إلا هُوَ والملائكةُ أولُوا العلمِ قائماً بالقِسْطِ لا إله إلا هُوَ العزيزُ الحكيمُ﴾ (سورة آل عمران / ۱۸)

« اللّه شهادات داد كه هيچ معبود بر حقى جز او وجود ندارد وهمچنين ملائك وعلمابر اين امر شهادت دادند . اللّه تمام أمور را با عدل انجام مى دهد . معبود بر حقى جز او كه عزيز وحكيم است وجود ندارد.»

س ٤٧ : معنى « لا إله إلا اللّه ، چيست ؟
ج : « لا إله إلا اللّه » يعنى اينكه هيچ معبود بر حقى جز اللّه وجود ندارد .
س ٤٨ : مقصود ومراد از « لا إله » چيست ؟
ج : مرا داز « لا إلـه » نفى تمام معبوداتى است كه به غير اللّه تعالى عبادت مى شوند .
س ٤٩ : مقصود ومراد از « إلاّ اللّه » چيست ؟
ج : مراد از « إلاّ اللّه » اين است كه فقط اللّه سبحانه وتعالى شايستگى وحق عبادت شدن را دارد.
س ٥٠ : كدام آيه مراد از شهادت « لا إله إلا اللّه » راروشن مى سازد ؟
ج : قول رب سبحانه وتعالى كه مى فرمايد :

﴿ وإذ قال ابراهيمُ لأبيه وقومِهِ إنني بَرآءٌ مما تعبُدون . إلا الذي فطرني فإنه سيهدينِ ﴾ .

(سورة الزخرف/٢٦، ٢٧)

« وبيا دآر اى رسول اللّه هنگاميكه ابراهيم به پد رو قوم خود گفت : من ازاين معبودات كه شما آنها را عبادت مى كنيد ، برىء هستم . مگر معبودى كه

مرا آفريده واوست كه مرا به دين حق وصراط مستقيم هدايت خواهد كرد .»

وهمچنين قول رب تبارك وتعالى كه مى فرمايد :

﴿ قُل يا أهل الكتاب تَعالَوْا إلى كلمةٍ سواءٍ بيننا وبينكم أن لا نعبدَ إلا الله ولا نُشْرِك به شيئاً ولا يتَّخِذَ بعضُنا بعضاً أرباباً من دون الله ﴾ .

(سورة آل عمران / ٦٤)

« بگواى اهل كتاب بياييد بسوى كلمه حق وعادلانه اى كه بين ما وشما يكسان است . وآن اين است كه جز الله را عبادت نكنيم وبا اوچيزى شريك قرار ندهيم و گروهى از ما گروهى ديگر را براى خود رب قرار ندهند .»

س ٥١ : دليل بر شهادت « محمد رسول الله » چيست ؟

ج : دليل اين شهادت قول الله عز وجل است كه مى فرمايد :

﴿ لقد جآءكُم رسولٌ من أنفُسِكُم عزيزٌ عليه ما عَنِتُّم حريصٌ عليكم بالمؤمنين رؤوفٌ رحيمٌ ﴾

(سورة التوبة / ١٢٨)

«بسوی شما پیامبری آمده است ازخودتان ، که دشواری وسختیهای شما براو بسیار سخت ورنج آوراست واوبر هدایت شما بسیار حریص بوده وهمچنین برمؤمنین رؤوف ورحیم می باشد.»
وهمچنین اللّه سبحانه وتعالی می فرماید :
﴿ محمَّدٌ رسولُ اللّه والذین مَعه أشداءُ علی الکفار رُحَمَاءُ بینهُم ﴾ (سورة الفتح / ۲۹)
« محمد رسول برحق اللّه تعالی است وکسانیکه با او هستند ـ صحابه کرام رضی اللّه عنهم اجمعین ـ در مقابل کفار شدید واستوار بوده وبا یکدیگر رحیم ومهر بانند .
س ۵۲ : مراد از شهادت « محمد رسول اللّه » چیست ؟
ج : مراد از این شهادت اطاعت کردن از اوامر رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ وتصدیق سخنان او ودوری جستن از اموری است که ما را از آنها نهی کرده است . وهمچنین می بایست اللّه تعالی را به صورتیکه او ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ به ما یا داده است عبادت کرد .

س ٥٣ : دليل واجب بودن نماز وزكات چيست ؟

ج : آيات واحاديث بسياری فرض وواجب بودن نماز وزكات را ثابت می كنند . مثل قول رب تبارك وتعالی كه می فرمايد :

﴿ وأقيمُوا الصَّلاةَ وءاتُوا الزكوٰةَ وما تُقَدِّمُوا لأنفسِكُم من خَيْر تجدُوه عِنْدَ اللّهِ ﴾

(سورة البقرة/١١٠)

« ونماز بپا داريد وزكات دهيد وبدانيد آنچه راكه برای خود از أعمال صالحه پس انداز می كنيد أجر وثواب آنرا درنزد اللّه تعالی خواهيد يافت»

س ٥٤: دليل واجب بودن روزه چيست ؟

ج : از دليلها ي كه فرض بودن روزه را ثابت می كنند، قول رب سبحانه وتعالی است كه می فرمايد:

﴿ يا أيها الذين آمنوا كُتِبَ عليكُمُ الصِّيامُ كما كُتِبَ على الذين مِن قبلِكُم لعلكُم تتقونَ ﴾

(سورة البقرة / ٨٣)

« ای كسانيكه ايمان آورده ايد برشما روزه فرض

شده است ، هما نگونه که بر کسانیکه پیش از شما بوده اند فرض شده بود . تا اینکه تقوی پیشه گیرید. »

س ٥٥ : دلیل واجب بودن حج چیست ؟

ج : دلیل واجب بودن حج قول اللّه تعالی است که می فرماید :

﴿ وللّهِ على الناس حِجُّ البيت مَن استطاع إليه سبيلاً ومن كَفَر فإنَّ اللّهَ غَنيٌّ عن العالمين ﴾

(سورة آل عمران / ٩٧)

« وحق اللّه تعالی بر اشخاص مکلف وقادر است که به حج خانه او روند . وهرآنکه ازاین کار سرباززند، باید بداند که اللّه از تمام جهانیان وعباداتشان بی نیاز است . »

س ٥٦ : درجه ومرتبه دوم دین اسلام چیست ؟

ج : درجه ومرتبه دوم دین اسلام إیمان است .

س ٥٧ : درجات ومراتب ایمان چندتاست ؟.

ج ٥٧ : درجات ومراتب ایمان ما بین هفتاد وسه تا هفتاد ونه درجه است .

عظـــيم تـرين ايـــن درجـــات قول لا إلـه إلا اللّه وپايين ترين آنها بردا شتن خاروخاشاك ويا هرچيزى كه بـاعث ناراحتى مردم مـى شود ، از محـل رفت وآمـد آنـهـا ست . وهـمـچـنـيـن حـيـاء درجـه اى ازدرجات إيمان است .

س ٥٨ : أركان ايمان چندتاست ؟

ج : أركان ايمان شش تاست. واين اركان عبار تنداز:

١ ـ ايمان به اللّه جل جلاله .

٢ـ ايمان به ملائك (فرشتگان) أو

٣ـ ايمان به كتابهاى آسمـانى كه اوبر پيامبران نازل كرده است .

٤ـ ايمان به پيامبران او .

٥ـ ايمان به آخرت .

٦ـ ايمان به قدر . چه خيـر باشد وچه شر . (ايمان به قدر يـعنى مؤمن بودن بـه اينكه تمـام أمور به اراده وتقـــدير اللّه سبحـــانه وتعـــالى صورت مى پذيرد . خواه اين أمور خير باشد مانند سالم وتندرست شدن وخواه ايـن أمور درنظر ما شر

باشد ما نند مریض وبیمار شدن)

س ٥٩ : دلیل ارکان ایمان چیست ؟

ج : دلیل ارکان ایمان قول رب سبحانه وتعالی است که می فرماید :

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أن تُوَلُّوا وجُوهَكُم قِبَلَ الْمَشْرِقِ والمَغْرِبِ ولَكِنَّ البِرَّ من آمَنَ باللّهِ واليومِ الآخِرِ والملائكةِ والكتاب والنبيين﴾ (سورة البقرة/١٧٧)

« عمل خیرو صالح فقط این نیست که انسان درهنگام نماز روبسوی مشرق ومغرب کند ، بلکه صاحب خیر وصلاح حقیقی کسی است که به اللّه وآخرت وملائك (فرشتگان) وکتب سماوی وپیامبران ایمان آورده باشد .»

وهمچنین ارکان ایمان در حدیث جبریل که آنرا در جواب به سؤال شماره ٦٤ ذکر می کنیم نیز وارد شده است .

س ٦٠ : دلیل ایمان داشتن به قدرچیست ؟

ج : اللّه تعالی می فرماید :

﴿إنا كُلَّ شَيءٍ خلقْناهُ بِقَدَرٍ﴾ (سورة القمر/٤٩)

« ما هرچیزی را باقضا وقدری که برای آن مقدر
کرده ایم آفریده ایم »

س ٦١ : درجة ومرتبه سوم دین اسلام چیست ؟
ج : درجه ومرتبه سوم دین اسلام إحسان است . وإحسان دارای یك رکن می باشد .

س ٦٢ : مغنی إحسان چیست ؟
ج ٦٢ : احسان یعنی اینکه اللّه تعالی را به گونه ای عبادت کنی مانند اینکه اورا دربرا برخود می بینی واگر تو او را نمی بینی او تورا می بیند .

س ٦٣ : آیا دلیلی داین امر وجود دارد ؟
ج : بله . دلیل آن حدیث جبریل است که آنرا درجواب به سؤال شماره ٦٤ ذکر می کنیم .

س ٦٤ : آیا حدیثی وجود دارد که ثابت کند درجات ومراتب دین سه تاست ؟
ج : بله ، واین حدیث به حدیث جبریل مشهور است . حدیث جبریل را عمر بن الخطاب رضی اللّه عنه روایت کرده است . او می گوید :
روزی مادر نزد رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ

نشسته بوديم كه ناگهان مردى بالباس بسيارسفيد وپاكيزه وارد مجلس شد . موى سراين مرد نيز بسيار سياه وتميز بود . وبراو هيچ اثرى از سفر ديده نمى شد وهيچكدام ازما اورانمى شناخت .

اين مرد درنزد رسول اللّه ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ نشست ودو زانوى خود را به دوز انوى پيامبر ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ چسبا ندو دودست خود رابر دوران خود گذاشت (در لفظ حديث اين احتمال وجود دارد كه مرد دودست خود رابر دوران رسول اللّه ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ قرار داده باشد) سپس گفت : أى محمد ، اسلام يعنى چه ؟ رسول اللّه ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ فرمود : اسلام يعنى اينكه شهادت بدهى به لا إله إلا اللّه ومحمد رسول اللّه ونماز بپا دارى وزكات بدهى وماه رمضان راروزه بگيرى واگر توانستى به حج روى .

مرد گفت : درست گفتى :

ما ازسخن اين مرد بسيار تعجب كرديم . چون اونخست ازرسول اللّه ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ

سؤال کردو بعداز شنیدن جواب آنرا تأیید کرد.سپس مرد گفت : ایمان چیست ؟

رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ فرمود : ایمان یعنی یقین داشتن به اللّه تعالی وفرشتگان اوو به کتابهای آسمانی که اوبر پیامبران نازل کرده است وبه پیامبران او وبه آخرت وبه قدر چه خیر باشد وچه شر.

مرد گفت : إحسان یعنی چه ؟

رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ فرمود : إحسان یعنی اینکه اللّه تعالی رابه گونه ای عبادت کنی مانند اینکه اورا دربرابر خـــود می بینی واگـــرتو اورا نمی بینی اوتورا می بیند. مرد گفت : قیامت کی برپـا می شود ؟

رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ فرمود : من دراین مـــورد چیزی بیشـــتراز تونمی دانم (یعنی همـا نطورکه تواز وقت برپا شدن قیامت اطلاعی نداری، من نیزاز آن بی اطلاع هستم . واین أمررا کسی جز اللّه جل جلاله نمی داند) .

مرد گفت : نشانه هاوعلامات نزدیك بودن قیامت چیست ؟

رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ فرمود : یکی ازعلامات آن این است که کنیز ، آقاوسید خود را بدنیا آورد [۱] . وهمچنین پابرهنگان بی جامه که فقیر وچوپان بودند درساختن
ساختمانهای بزرگ بایکدیگر رقابت خواهند کرد وبه یکدیگر فخرمی فروشند [۲] . سپس مرد برخاست وازمجلس خارج شد ، ومامدتی درهمین حال باقی ماندیم تا اینکه بالاخره رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ فرمود : ای عمر می دانی مرد سؤال کننده که بود ؟

گفتم : اللّه ورسول او داناتر هستند .

رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ فرمود : اوجبریل بود . به اینجا آمدتاکه دینتان رابه شما بیاموزد»
(رواه مسلم ۱۳۳/۱)

---

(۱) معنی این عبارت این است که رفتار وبرخورد فرزندان بامادران خود همانند رفتار سید باکنیز خود خواهد شد . و آنها هیچگونه احترامی به ما دران خود نخواهند گذاشت . البته برخی از علما این عبارت را به صورتهای دیگری تفسیر کرده اند.

(۲) این علامت را امروزه مخصوصاً درکشورهای جزیرة العرب به وضوح مشاهده می کنیم .

س ٦٥ : أصل سوم چيست ؟

ج : اصل سوم شناختن رسول اللّه ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ مى باشد .

نام او محمد بن عبد اللّه بن عبد المطلب بن هاشم است . وهاشم ازقريش و قريش ازعرب وعرب ازفرزندان اسماعيل بن ابراهيم عليهما السلام هستند.

س ٦٦ : رسول اللّه ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ در كجا بدنيا آمدند وچند سال زندگى كردند ؟

ج : رسول اللّه ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ درمكه متولد شدند وشصت وسه سال زندگى كردند كه چهل سال آنرا قبل از بعثت وبيست وسه سال ديگررا بعد از بعثت بسر برده اند .

س ٦٧ : چرا اللّه تعالى رسول اللّه ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ رابه پيامبرى مبعوث داشت ؟

ج : براى اينكه مردم را ازشرك برحذر دارد وآنها را بسوى توحيد دعوت كند .

س ٦٨ : دليل اين سخن چيست ؟

ج : دليل اين سخن قول اللّه تعالى كه مى فرمايد :
﴿ **يا أيها اَلمُدَّثِّرُ . قُمْ فأنذرْ . وربَّك فكبِّرْ . وثيابَكَ فطهِّرْ. والرُّجْزَ فاهُجْر . ولا تَمْنُنْ تستكْثِرُ . ولِرَبِّكَ فاصْبِر** ﴾ (سورة المدثر / ١-٧)

س ٦٩ : معنى ﴿**قم فأنذر**﴾ چيست ؟
ج : يعنى اينكه : اى رسول اللّه برخيز ومردم را از شرك برحذر دار وآنها رابسوى توحيد فرا خوان.

س ٧٠ : معنى ﴿ **وربَّك فكبِّرْ وثيابَكَ فطَهِّرْ** ﴾ چيست؟
ج : يعنى اينكه : رب خودرا از طريق توحيد بزرگ وباعظمت بدار . واعمال خود را از شرك ومعاصى دورنگه دار .

س ٧١ : معنى ﴿ **والرجز فاهجر** ﴾ چيست ؟
ج : يعنى بت ها وبت پرستان راترك كن واز آنها دورى وبرائت بجو .

س ٧٢ : چند سال رسول اللّه ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ مردم رافقط بسوى توحيد دعوت مى كردند ؟
ج : **سيز** سال.سپس ازمكه به مدينه هجرت كردند.

س ٧٣ : هجرت يعنى چه ؟

ج : هجرت يعنى ترك كردن بلاد شرك وكفر ورفتن به بلاد إسلام وايمان .

س ٧٤ : حكم هجرت چيست ؟

ج : برامت اسلامى واجب است كه ازبلاد شرك وكفر بسوى بلاد اسلام وايمان هجرت كنند . وحكم هجرت تاقيامت باقى است .

س ٧٥ : دليل اين أمر چيست ؟

ج : اللّه سبحانه وتعالى مى فرمايد :

﴿ إن الذين توفاهُمُ الملائكةُ ظَالِمى أنْفُسِهِمْ قالوا فيمَ كُنْتُم قالوا كُنَّا مُسْتَضْعَفينَ في الأرضِ قالوا ألَمْ تكُن أرْضُ اللّهِ واسعِةً فتُهَا جِرُوا فيها فاولئك مأواهُمْ جهنَّمُ وسَاءت مصيراً . إلا المُسْتضعفين من الرِّجَالِ والنِّساء والولْدان لا يستطيعونَ حِيلةً ولا يهتدون سبيلاً . فأولئك عسى اللّهُ أن يعفُوَ عنهم وكان اللّهُ عَفُوّاً غفورا ﴾ (سورة النساء / ٩٧ ـ ٩٩)

« ملائك به كسانيكه درحال ظلم به خودشان (مراد عدم هجرت به مدينه است . چون آنها با اينكار خود را از آزادى عمل كردن به اسلام محروم

ساخته بودند) جان آنهارا گرفتند گفتند : به چه أمری ازامور دینتان مشغول بودید ؟ آنها جواب دادند : ما درمکه ضعیف وناتوان بودیم . ملائك از آنها پرسیدند : آیا سرزمین اللّه تعالی وسیع وپهناور نبود تاکه شمابتوانید درآن مهاجرت کنید؟

مأوی وجایگاه آنها آتش جهنم است .وچه بدجایگاهی است آتش جهنم . اما مردان وزنان وکودکان ناتوان که معذور بودند وراه مدینه رانمی دانستند ، اللّه تعالی آنها رامی آمرزد وبراستی که اللّه بسیار بخشاینده وآمرزنده است .»

وهمچنین اللّه سبحانه وتعالی می فرماید :

﴿ يا عبادِيَ الذين آمنُوا إنَّ أرْضي واسِعَةٌ فإيَّايَ فاعْبُدُونِ ﴾ (سورة العنكبوت / ٥٦)

« ای بندگان مؤمن من ، سرزمین من بسیار وسیع وپهناور است ، پس فقط مرا عبادت کنید »

س ٧٦ : سبب نازل شدن این دو آیه چیست ؟

ج : سبب نزول آیه اول این است که گروهی ازاهل مکه مسلمان شدند ولی به مدینه هجرت نکر دند

ودرمکه که تحت سیطره مشرکین و کفار بود باقی ماندند .

واین امر سبب شد که دردام فریب های مشرکین بیفتند وبا آنها درجنگ بدر بر علیه مسلمانان شرکت کنند . وبسیاری از آنها دراین جنگ کشته شدند .

اللّه تعالی نیز آنها را بخاطر اینکه امراو ورسول او را درهجرت کردن به مدینه اطاعت نکرده بودند ، از اهل جهنم قرار داد .

وسبب نزول آیه دوم این است که گروهی از مسلمان درمکه باقی ماندند وبه مدینه هجرت نکردند . اللّه تعالی نیز این آیه رانازل کرده وآنها راتشویق به هجرت نمود .

س ۷۷ : دلیل همیشگی بودن هجرت چیست ؟

ج : دلیل همیشگی بودن هجرت قول رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ است که می فرماید :

« لا تَنْقَطِع الهجرةُ حتی تنقطعَ التوبةُ ولا تنقطع التوبةُ حتی تَطْلع الشمسُ من مغربها » (صحیح .

رواه أحمد وأبو داود)

«وجوب هجرت تا که درهای توبه بسته نشده است، ازبین نمی رود . ودرهای توبه تا که خورشیداز مغرب طلوع نکرده است ، بسته نمی شود » .

س ۷۸ : رسول الله ـ صلى الله عليه وسلم ـ بعداز اینکه درمدینه مستقرشد ، مسلمانان را به چه چیزی أمر کرد ؟

ج : آنها را به بقیه تعالیم اسلام از قبیل نماز ، زکات ، روزه ، حج ، جهاد ، .... أمر کرد .

س ۷۹ : آیا قول وأمر کسی را بر قول الله تعالی ورسول أو ـ صلى الله عليه وسلم ـ ارجحیت وبرتری می دهیم؟

ج : خیر . هرگز چنین کاری نمی کنیم . الله تعالی می فرماید :

﴿يا أيها الذين آمنوا لا تقدِّمُوا بين يَدَي الله ورسُوله﴾ (سورة الحجرات / ۱)

« أی مؤمنین هیچ أمر وقولی را مقدم برامر وقول

اللّه ورسول اوقرار ندهيد »

س ۸۰ : رسول اللّه ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ چند سال در مدينه زندگی كرد ؟

ج : رسول اللّه ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ ده سال درمدينه زندگی كرد ، ودراين مدت تمام انواع خيروشررا به مسلمان شنا ساند .

س ۸۱ : خير وشری كه رسول اللّه ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ مسلمانان را ازآنها باخبر ساخت ، چيست؟

ج : اين خير ، توحيد وتمام أموری است كه باعث خشنودی ورضايت اللّه سبحانه وتعالى می شود . وشر، شرك وتمام اموری است كه باعث ناخشنودی اللّه جل جلاله شده وغضب اورابه همراه دارد .

س ۸۲ : آيا اللّه تعالى اورابه سوی قبيله مخصوصی فرستاد ويابسوی تمام جهانيان ؟

ج : اللّه سبحانه وتعالى رسول اللّه ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ رابسوی جن وانس فرستاده واطاعت كردن از اورابر تمام جهانيان فرض گردانيده است .

س ٨٣ : دليل اين سخن چيست ؟

ج : اللّه تعالى مى فرمايد :

﴿ قُلْ يا أيها النَّاسُ إنِّى رسُولُ اللّه إليكم جَميعاً ﴾

(سورة الأعراف / ١٥٨)

«بگواى مردم مـن رسول وفرستاده اللّه بـسوى همه شماهستم.»

وهمچنين اللّه سبحانه وتعالى مى فرمايد :

﴿وإذْ صَرَفْنَا إليكَ نفراً من الجنِّ يستمعُونَ القُرآنَ﴾

(سورة الاحقاف/ ٢٩)

« وبيادآر أى رسـول اللّه ، هنگامـى كـه گروهـى ازجن رابسوى توفر ستاديم كه به قـرآن گوش فرا عي دهند.»

س ٨٤ : اولين كسيكه به او ايمان آورد كه بود ؟

ج ٨٤ : اولين كسـانيكه به او ايمان آوردند ازمـردان ابو بكر الصـديق وازكودكـان على بـن ابى طالـب واز زنان خديجة بنت خويلد رضي اللّه عنهم أجمعين بودند .

س ٨٥ : آيا دين درزمان رسـول اللّه ـ صلى اللّه علـيه وسلم ـ تكميل گشت ويا اينكه بعد ازوفات او؟

ج : اللّه تعالی دین را درحیات ایشان تکمیل گردانید وهیچ نقص و کمبودی درآن باقی نگذاشت.

س ٨٦ : دلیل این سخن چیست ؟

ج : اللّه تعالی می فرماید :

﴿ **اليومَ اكملْتُ لكم دينَكُمْ وأتْمَمْتُ عليكُم نِعمتي ورَضِيتُ لكُم الإسْلاَمَ دينا** ﴾ (سورة المائدة/٣)

« امروز دینتان را برایتان تکمیل کردم ، ونعمت خودرا برشما ازطریق هدایتتان به صراط مستقیم به حدتمام و کمال رساندم ، وبرای شما ازبین أدیان ، دین اسلام را انتخاب کردم .»

س ٨٧ : اگر ما درمسئله ای ازمسائل دین بایکدیگر اختلاف پیدا کردیم ، راه حل صحیح برطرف کردن این اختلاف چیست ؟

ج : راه حل صحیح برطرف کردن این اختلاف این است که به قرآن وسنت رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ رجوع کنیم . اللّه جل وعلا می فرماید :

﴿ **فإن تنازعتُم فى شيء فردُّوه إلى اللهِ والرسول إن كنتم تؤمنون باللّه واليوم الاخرِ ذلك خيرٌ**

وأحسنُ تأويلاً﴾ (سورة النساء / ٥٩)

« اگر درامری بایکدیگر اختلاف پیـدا کردید آنرا از طریق رجوع به کتاب الـلّه وسنت رسول اللّه ـ صلی اللّه عـلیـه وسلـم ـ حل کنـید اگـر که واقـعاً بـه اللّه وآخرت ایمـان دارید . این رجوع بـرای شما بهـترو خوش عاقبتتراست . »

س ۸۸ : حکم عمل کردن به حدیث صحیح چیست ؟

ج : عمل کـردن به حدیث صـحیح واجب مـی باشد . اللّه تعالی می فرماید :

﴿ومـا آتـاكُم الـرّسُولُ فـخـذوه ومـا نَهـاكُمْ عَنْه فانْتهوا﴾ (سورة الحشر / ۷)

« وآنچه کـه پیامبر شمـا رابه آن امر کند ، آنـرا انجام دهـید ، واز آنـچـه کـه شمـارا نـهـی کنـد ، دوری جوئید.»

س ۸۹ : دلیل اینکه رسول اللّه ـ صلـی اللّه علیه وسلم ـ فوت کرده است ، چیست ؟

ج : اللّه جل جلاله می فرماید :

﴿ إنّكَ ميّتٌ وإنّهُم ميّتُون ﴾ (سورة الـزمر / ۳۰)

« تـوای رسـول الـلّه خـواهـی مـرد وآنـهـا نـیـز خواهندمرد.»

س ۹۰ : آیا انسان پس ازمرگ دوباره زنده می شود ؟

ج : بـلـه . إنــسـان پـس ازمـرگ دوبـاره زنـده مـی شـود . اللّه تعالی می فرماید :

﴿ منها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة أخـرى ﴾ (سـورة طـه /٥٥)

«مـا شـمـارا ازخـاك آفریـدیم ودوبـاره شـمـا رابـه آن بازخـواهیـم گرداند وسـپس باردیـگر شـمـا را از آن بیرون خواهیم آورد ».

س ۹۱ : آیا انسان پـس ازمرگ محاسبه خـواهد شد وجزای اعمال خودرا خواهد دید؟

ج : بـله . إنـسـان پس ازمـرگ جـزای اعـمال خـودرا خواهددید . اللّه تعالی می فرماید :

﴿ لِيَجزِىَ الـذين أسـآءوا بمـا عملوا ويَجْزِىَ الـذين أحْسَنُوا بالـحُسْنى ﴾ (سورة الـنجـم / ٣١)

«تاگـنهکاران را بـه جزای أعمـال خود برسانـد وبه محسنین بهشت را پاداش دهد .»

س ۹۲ : حکم کسی که بعث وزندگی پس ازمرگ را انکار کندچیست ؟

ج : کسیکه بعث وزندگی پس ازمرگ را انکار کند کافر می باشد . زیراالله سبحانه وتعالی می فرماید :

﴿ زعم الذين كفروا أن لن يُبْعَثُوا قل بلى وربى لتُبْعَثُنَّ ثم لتُنَبَّؤُنَّ بما عمِلْتم وذلك على اللهِ يسير﴾ (سورة التغابن / ۷)

« کفار می پندارند که دوباره زنده نخواهند گشت. بگو : به ربّم سوگند که دوباره زنده خواهید شد وسپس ازتمام اعمالتان باخبر می شوید. واین امر برای الله بسیار سهل و آسان است . »

س ۹۳ : وظیفه رسل وانبیاء ـ علی نبینا وعلیهم افضل الصلاة والسلام ـ چه بوده است ؟

ج : وظیفه رسل وانبیاء این بوده است که موحدین را به بهشت بشارت دهندو مشرکین وکفار را ازعذاب جهنم برحذر دارند .

س ۹٤ : دلیل این أمر چیست ؟

ج : اللّه تعالی می فرماید :

﴿ رُسُلاً مُّبَشِّرِينَ ومُنذرينَ لئلا يكُونَ للنَّاسِ على اللّه حُجَّةٌ بَعد الرُّسُلِ﴾ (سورة النساء / ١٦٥)

«پیامبرانی که وظیفه آنها بشارت دادن به بهشت وبرحذر داشتن ازجهنم می باشد . تاهیچ حجت وبها نه ای برای مردم بعداز ارسال پیامبران باقی نماند .»

س ٩٥ : نام اولین رسول که اللّه تعالی اورا مبعوث داشت ، چیست ؟

ج : اولین رسول نوح علیه السلام بوده است .

س ٩٦ : دلیل این أمر چیست ؟

ج : اللّه تعالی می فرماید :

﴿ إنا أوحينا إليك كما أوحينا إلى نوح والنَّبيين مِن بعدِه ﴾ (سورة النساء / ١٦٣)

« ما به توهما نند نوح وپیامبران بعد ازاو وحی فرستادیم»

س ٩٧ : آیا اللّه تعالی درهر أمتی رسولی مبعوث داشته تا که آنها رابه سوی توحید دعوت کند واز طاغوت

برحذر دارد ؟

ج : بله . هیچ امتی وجود ندارد که بدون پیامبر بوده باشد . اللّه تعالی می فرماید :

﴿ ولقد بَعَثْنا في كُلِّ أُمَّةٍ رسولاً أنِ اعْبُدوا اللّهَ واجْتنبوا الطاغوتَ ﴾ (سورة النحل / ٣٦)

« وبی شك در هرأمتی رسولی مبعوث داشتیم ودعوت آنها این بود که اللّه را عبادت کنید واز طاغوت دوری جوئید . »

س ٩٨ : طاغوت یعنی چه ؟

ج : طاغوت هر مخلوقی است که از حدخود تجاوز کند .

س ٩٩ : چند نوع طاغوت وجود دارد ؟

ج : طواغیت بسیارند . أما مهمترین وبزرگترین آنها پنج نوع هستند .

١ / إبلیس لعنه اللّه .

٢ / مخلوقی که عبادت شود واو به این أمر راضی باشد .

٣ / کسیکه ازمردم بخواهد اورا عبادت کنند .

٤/ كسيكه ادعا ى علم غيب كند .
٥ / كسيكه بخلاف شريعت اللّه تعالى ، قانون وضع كند .
اللّه تعالى ما را أمر كرده است كه به تمام طواغيت كفر بورزيم واز آنها دورى بجوئيم.
س ١٠٠ : دليل اين أمر چيست ؟
ج : اللّه تعالى مى فرمايد :
﴿ ولقد بَعثْنا في كُلِّ أمَّةٍ رسولاً أنِ اعْبُدوا اللّهَ واجْتنبوا الطاغوتَ ﴾ (سورة النحل / ٣٦)
«وبى شك درهر أمتى رسولى مبعوث داشتيم ودعوت آنها اين بودكه اللّه را عبادت كنيد واز طاغوت دورى جوئيد .»
وهمچنين مى فرمايد :
﴿ قل يا أهْلَ الكتاب تَعَالَوْا إلى كلمةٍ سواء بيننا وبينكم أن لا نَعْبُدَ إلا اللّهَ ولا نُشْرِكَ به شيئاً ولا يتخِذَ بعضُنا بعْضاً أرباباً من دون اللّه ﴾
(سورة آل عمران / ٦٤)
«بگواى أهل الكتاب بياييد بسوى كلمه حق

وعادلا نه ای که بین ما وشمـایکسان باشد . وآن این است که جز اللّه را عبادت نکنیم وبا اوچیزی شریك قرار ندهیم و گروهی ازما گروهی دیگر را برای خود رب قرار ندهند .»

قواعد چهار گانه

الحمد للّه رب العالمين . والصلاة والسلام على المبعوث رحمة للعالمين .

أما بعد :

يك فرد مسلمان بايستى بداند كه سبب خلق شدن او اين است كه فقط اللّه تعالى را عبادت كند . هما نگونه كه رب جل فى علا مى فرمايد :

﴿وما خَلَقْتُ الجِنَّ والإنْسَ إلاّ لِيَعْبُدُوْنِ﴾ (سورة الذاريات /٥٦)

« جن وانس را خلق نكردم ، مگر براى اينكه فقط مراعبادت كنند .»

پس نتيجه مى گيريم كه عبادت بايد با توحيد همراه باشد. وعبادت بدون توحيد هرگز مورد قبول اللّه تعالى واقع نخواهد شد هما نطور كه نماز بدون وضوء درنزد اللّه تعالى باطل ونادرست است .

درمقابل توحيد شرك قرار دارد .

شرك تمام اعمال انسان رابر باد می دهد واورا از اهل جهنم می سازد، پس مسلمان عاقل بایستی از آن کاملاً برحذر باشد که مبادا دردام معصیتی بیفتد که اللّه تعالی درمود آن فرموده است :

﴿إن اللّه لا يغفر أن يُشْرَكَ به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء﴾ (سورة النساء / ١١٦)

« براستی اللّه تعالی شرك ورزیدن به او را نخواهد بخشید وهر گناهی کمتراز شرك را برای هر کس که بخواهد (یعنی اللّه تعالی) می بخشد .»

به همین سبب نیزیك فرد مسلمان بایستی چهار قاعده اساسی را به خوبی یادبگیرد وبه مقتضای آن درزندگی خود عمل کند . واین قواعد چهار گانه عبار تنداز :

۱ـ قاعده اول:

مشرکین وکفاری که رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ به جنگ وقتال آنها پرداخت معترف ومؤمن به وجود اللّه تعالی بودند . وهمچنین قبول داشتند که اللّه تعالی آنها وتمام هستی راخلق کرده است واوست که رازق ومدبر امور آنهاست . ولی این امر به تنهابی آنهارا مسلمان نساخت ومانع

ازجنگ وقتال با آنها نگشت . وعلت این امر این بود که آنها در عبادات خود با اللّه تعالی شریك قرار می دادند وعباداتشان را خالصانه برای رب جل جلاله انجام نمی دادند. اللّه تعالی می فرماید :

﴿قُل من يَرْزُقُكُم من السماء والأرض أمَّن يَمْلكُ السَّمْعَ والأبْصَارَ ومن يُخْرِجُ الحَيَّ مِنَ الميِّت ويُخْرِجُ المَيِّت مِن الحَيِّ وَمن يُدبِّرُ الأمْرَ فَسيَقُولُونَ اللّهُ . فقُلْ أفلا تتقُونَ﴾

(سورة يونس / ٣١)

« أی رسول اللّه به این مشرکین بگو ، کیست که از آسمان وزمین به شما روزی می رساند ؟ ویا اینکه چه کسی مالك وآفریننده گوشها وچشمهای شماست ؟ وچه کسی جاندار را ازبی جان (مانند بوجود آمدن انسان از نطفه وپرنده از تخم)

وبی جان را ازجاندار (مانند بوجود آمدن نطفه از انسان وتخم ازپرنده) خلق می کند ؟ وچه کسی أمور هستی را اداره می کند ؟

خواهند گفت : اللّه .

پس به آنها بگو : آیا از عقاب اونمی ترسید که اینگونه در عباداتتان با او شریك قرار می دهید ؟»

۲ـ قاعده دوم:

اگر از مشرکین پرسیده شود چرا با اللّه تعالی در عباداتتان شریك قرار می دهید خواهند گفت : ما اینکار را به این سبب انجام می دهیم تا که آنها (معبوداتی که آنها را می پرستند) ما رابه اللّه تعالی نزدیك کنند . وهمچنین آنها شفاعت کننده ما درنزد اللّه باشند .

بایستی گفت این سخن هیچگونه تفاوتی باسخن مشرکین که اللّه تعالی انبیاء ورسل را بسوی آنها فرستاد ، ندارد . اللّه تعالی در قرآن مجید می فرماید :

﴿والذین اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أوْلیَاءَ ما نَعْبُدُهُمْ إلاّ لیُقَرّبونا إلى اللّه زُلْفَى﴾ (سورة الزمر / ۳)

« وکسانیکه برای خود بجز اللّه ولی ونصیر قرار دادند می گویند ما اینها را عبادت نمی کنیم مگر برای اینکه ما را مقداری به اللّه تعالی نزدیك کنند .»

از این آیه نتیجه می گیریم که قرار دادن ولی وواسطه به قصد تقرب جستن به اللّه تعالی از عظیم ترین انواع شرك می باشد . واللّه تعالی اینگونه اعمال راهرگز نخواهد بخشید.

وبه همین صورت قراردادن شفیع درنزد اللّه تعالی نوعی

شرك است ، زيرا رب جل فى علا مى فرمايد :

﴿ويعبدون من دون اللّه ما لا يضرهم ولا ينفعهم ويقولون هؤلاء شفعاؤنا عند اللّه قُل أَتُنَبِّؤُنَ اللّهَ بما لا يَعْلَمُ في السموات ولا في الأرضِ سبحانه وتعالى عمَّا يُشرِكُونَ﴾

(سورة يونس / ١٨)

«وعبادت مى كنند بجز اللّه را ، آنچه كه در حقيقت نه به آنها نفعى مى رسانند ونه ضررى .

ومى گويند اينها شفاعت كنندگان ما درنزد اللّه هستند. بگو آيا اللّه را از شريك وشفاعت كننده اى در آسمانها وزمين باخبر مى كنيد كه او از وجود آنها اطلاعى ندارد ؟ منزه وبرتر است اللّه از آنچه كه با او شريك قرار مى دهند.»

ما اگربخواهيم موضوع شفاعت را تفصيل دهيم بايستى بگوييم ، شفاعت را مى توان به دو دسته صحيح وباطل تقسيم كرد .

شفاعت باطل شفاعتى است كه ازغير اللّه تعالى درا مرى كه غير او توانايى انجام آنرا ندارد طلبيده شود .

دليل باطل بودن اينگونه شفاعتها قول اللّه سبحانه وتعالى است كه مى فرمايد :

﴿ يا أيها الذين آمنوا أنْفِقُوا ممَّا رزقناكُم من قبلِ أن يأتِيَ يومٌ لا بَيْعٌ فيه ولا خُلَّةٌ ولا شفاعةٌ والكافرون هم الظالمون﴾

(سورة البقرة / ٢٥٤)

« أي مؤمنين ، در راه اللّه از آنچه كه به شما عطا كرده ايم انفاق كنيد ، قبل از اينكه روزى فرارسد كه درآن نه خريد وفروشى وجود دارد تا إنسان بوسيله مال خودرا نجات دهد ونه دوستى وصداقت چاره ساز خواهد بود . ونه كسى مى تواند شفاعت ديگرى راكند . وهمانا كه كافران ظالمان حقيقى هستند . »

بنابراين صحيح نيست كه انسان دست به دعابلند كند وبگويد : «يا محمد اشفع لى » «اى محمد مرا شفاعت كن » ويا اينكه بگويد : «يا محمد اغفر لى ذنبى » « اى محمد گناه مرا بيامرز» و ....

وأما شفاعت صحيح شفاعتى است كه از اللّه سبحانه وتعالى طلب شود . مانند اينكه شخصى بگويد : « اللهم ارزقنى شفاعة محمد ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ » « الهى مرا از شفاعت محمد ـ صلى اللّه عليه وسلم ـ برخوردار كن » ويا اينكه بگويد : « اللهم لا تحرمنى من شفاعة محمد ـ صلى اللّه

علیه وسلم ـ « الهی مرا ازشفاعت محمد ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ محروم مگردان».

ما باید بدانیم شفاعت هرگز صورت نمی گیرد مگرپس از اکتمال دوشرط . واین دوشرط عبا رتنداز :

۱ـ اجازه اللّه سبحانه وتعالی. رب جل فی علا می فرماید:

﴿**مَن ذَا الذي يَشْفَعُ عنده إلا بإذنه**﴾(سورة البقرة /۲۵۵)

« کیست که در نزد او شفاعت کند مگر به اجازه او»

پس هیچکس درآخرت حق شفاعت کردن ندارد مگر بعد از اجازه اللّه سبحانه وتعالی .

۲ـ رضایت وخشنودی اللّه تعالی ازکسیکه قرار است از اوشفاعت شود .

اللّه جل جلاله می فرماید :

﴿ **ولا يَشْفَعُونَ إلا لِمَنِ ارْتَضى** ﴾ (سورة الأنبياء /۲۸)

« و (کسانیکه اللّه تعالی به آنها اجازه شفاعت کردن می دهد) شفاعت نخواهند کرد مگر برای کسانیکه اللّه تعالی از آنها راضی باشد .»

با دانستن این دوشرط می توانیم نتیجه بگیریم کسیکه از غیر اللّه تعالی طلب شفاعت کند درحقیقت خود را

ازهرگونه شفاعتی محروم گردانیده است . چونکه مالك أصلی شفاعت اللّه سبحانه وتعالی است .

﴿ قُل للّهِ الشَفَاعَةُ جميعاً ﴾ (سورة الزمر / ٤٤)

« بگو مالك تمام شفاعتها اللّه است .»

وکسیکه ازغیر اللّه تعالی طلب شفاعت کند مرتکب نوعی شرك شده است واگر قبل از توبه کردن از این عمل بمیرد ، در روز قیات نه تنها از رضایت وخشنودی اللّه تعالی بدور می ماند بلکه شایسته لعنت وغضب اوخواهد بود .

﴿ إن اللّهَ لا يَغفِرُ أن يُشْرَكَ بِه ويَغْفِرُ ما دُون ذلك لمن يشاء﴾ (سورة النساء / ١١٦)

« براستی اللّه تعالی شرك ورزیدن به او را نخواهد بخشید وهرگناهی کمتراز شرك را برای هرکس که بخواهد (یعنی اللّه تعالی) می بخشد .»

٣ـ قاعده سوم:

رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ درمیان مردمی به پیامبری برگزیده شد که هرکدام آنها برای خود معبودات متعددی درکنار اللّه تعالی داشتند . ومی گفتند اینها شفعاء وواسطه های ما درنزد اللّه هستند .

بعضی از آنها ملائك وانبیاء را واسطه قرار می دادند . اللّه تعالی می فرماید :

﴿ ولا يَأمُرَكُم أن تتخذوا الملائِكةَ والنبيينَ أرباباً ﴾ (سورة آل عمران / ٨٠)

« واو (رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ) هرگز شمارا أمر نمی کند که ملائك وپیامبران را معبودات خود قرار دهید.»

وبرخی دیگر أولیاء وصالحین را شفعاء خود می پنداشتند. اللّه جل فی علاه می فرماید :

﴿ أولئك الذين يَدْعُونَ يبْتَغُونَ إلى رَبِهِمُ الوسيلةَ أيُّهُم أقربُ ويرجُونَ رحْمَتَهُ ويخافون عذابَهُ ﴾ (سورة الإسراء/٥٧)

«آن معبودات باطلی که مشرکین آنها را عبادت می کنند، درپی آن هستند که بوسیله فعل طاعات وعبادات ، خود رابه اللّه نزدیکتر کنند وآنها به رحمت او امیدوار واز عذاب او در هراس ووحشت هستند .»

وگروهی نیز به سنگها ودرختان وهمچنین قبرها تبرك می جستند . اللّه تعالی می فرماید :

﴿ أفرأيتُمُ اللاّت والعُزّى . ومناةَ الثالثةَ الأُخْرى ﴾ (سورة النجم / ١٩)

« أی مشـرکین آیا الـلاّت والعزی ومنـاة قدرت وعظمـتی همچون قدرت وعـظمت اللّه تعالی دارند تا شمـا گمان برید آنها مستحق عبادت شدن هستند ؟!»

همـچنـین ابـو واقد الـلیثـی رضی الـلّه عنـه می گـوید : از مسـلمـان شدن مـا مدت زیادی نـمی گـذشت کـه همـراه با رسول اللّه ـ صلی الـلّه علیه وسلم ـ به غزوه حُنَیـن رفتیم . در راه خود بـه درخت کنـار ی برخورد کـردیم کـه مشرکـین درکنا رآن برای تـبرك به اعتکاف مـی نشستندو اسـلحه های خـودرا به آن آویـزان مـی کردنـد . آنـهـا این درخـت راذات انواط می نامـیدند . ما به رسول الـلّه ـ صلی اللّه علیـه وسلم ـ گفیتم : برای ما نیز مثل آنها ذات انواطی قرار بده .

رسول الـلّه ـ صلـی اللّه علـیه وسـلم ـ گفـت : اللّه أکـبر . قسم به کسـی که جان من دردست اوست گفته شـما ما نند قول بنی اسرائیل است که به موسی گفتند :

﴿ اجْعل لّنا إلَهاً كما لهُم آلهةٌ قال إنكم قومٌ تجهَلُونَ ﴾

(سورة الأعراف / ۱۳۸)

« برای مـا معـبودی قـرار ده که بـوسیـله آن بـه اللّه تـقرب بجوئیم همـا نگونه که آنها معبودات مـتعددی دارند . موسی

گفت : شما قومی هستید که از عظمت ویگانگی اللّه چیزی نمی دانید .»

سپس رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ گفت : درمیان شما نیز کسانی خواهند آمد که مانند راه و روش یهود ونصاری عمل خواهند کرد . (صحيح . رواه الترمذي)

وبعضی از آنها نیز سر سجده در مقابل خورشید وماه فرود می آوردند . اللّه تعالی می فرماید :

﴿ ومن آياته الليلُ والنهارُ والشمسُ والقمرُ لا تسجدوا للشمس ولا للقمر واسجدوا للّهِ الذي خَلَقهُنَّ إِن كنتم إياه تَعْبُدُونَ ﴾ (سورة فصلت / ٣٧)

« واز نشانه های دال بر وحدانیت وعظمت او (اللّه تعالی) تعاقب شب وروزو تحت فرمان بودن خورشید وماه می باشد اگر شما واقعاً فقط او را عبادت می کنید ، پس هر گز برای خورشید وماه سجده نکنید ، بلکه فقط برای اللّه که آنها را خلق کرده است سجده کنید .»

رسول اللّه ـ صلی اللّه علیه وسلم ـ پس از اینکه مدت زیادی بابرهان ودلیل باطل بودن اینگونه واسطه ها را به آنها ثابت کرد ، سرانجام به جنگ آنهائیکه نمی خواستند

معبـــودات بـاطــل خودرا تــــرك كنند پـرداخت . اللّه تعالى می فرمايد:

﴿ وقاتلوهم حتى لا تكونَ فتنةٌ ويكونَ الدينُ كلُّهُ للَّهِ ﴾

(سورة الأنفال / ٣٩)

« وبه جنـگ مشركيـن برخيزيـد تاهيچـگونه شركـى باقى نمانـد وكسى جز اللّه عبـادت نشود ودينى جـز اسلام وجود نداشته باشد .»

٤ـقاعده چهارم:

باتـوجه به سه قـاعده گذشتـه خواهيـم دانست بسـيارى از مسلمانها به قصد تقرب به اللّه تعالى مرتكب اعمالى مى شوند كه درحـقيقت اين اعمال نوعـى شريك قرار دادن بـراى اللّه تعالى است . واينگونه اعمال را مشركين قديم فقط درهنگام آسـايش ودوربـودن از بلا ومـصيبـت براى مـعبـودات باطـل خودبجا مـى آوردند . أما درهنگام دشـوارى ودچار شدن به مصـيبت فقـط رو به سوى اللّه تعالـى مى آوردند ومعـبودات باطـل رارها مى سـاختنـد . ولى مسـلمانـانى كه دراين زمان دانسته ويا ناد انـسته مرتكـب اعمال شرك آلود مـى شوند حتى درهنگـام مصيبت وبـــلا نيز معبـودات باطــل خـــود را ترك

نمی کنند ، بلکه تمسکشان به معبودات باطل در اینگونه اوقات بیشتر می شود . بنابراین شرك اینگونه افراد خیلی بیشتراز شرك مشرکین قدیم می باشد . اللّه سبحانه وتعالی حال مشرکین گذشته را بیان می کند ومی فرماید :

﴿ فإذا ركبوا في الفُلْك دَعَوُا اللّهَ مُخْلِصينَ له الدِّينَ فلما نَجَّاهُمْ إلى البَرِّ إذا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴾ (سورة العنكبوت/٦٥)

« هنگامیکه برکشتی سوارمی شوند واز غرق شدن در دریاهراسان می گردند فقط دست دعا بسوی اللّه دراز می کنند أما هنگامیکه اللّه آنها را بسلامت به خشکی می رساند، آنها به او شرك می ورزند .»

أما مشرکین این زمان نه تنها درهنگام آسایش بلکه درهنگام مصیبت وبلانیز دست دعا بسوی مرد گان دراز می کنند وبه قبرها وزیارتگاهها تبرك می جویند وبه سراغ طلسم وسحر وجادو می روند .

شما خودبگوید کدامیك بیشتر درباتلا قهای شرك فرورفته وخودرا از رودهای پاك وزلال توحید بدور داشته اند . مشرکین گذشته یا مشرکین این زمان ؟؟؟

﴿ أمَّن يُجيبُ المضطرَّ إذا دعاهُ ويكشِفُ السُّوء ويَجْعَلُكُم

خُلَفَاءَ الأرض ؟ أ إلَه مع الله ؟ قليلاً ما تذكرونَ ﴾

(سورة النمل /٦٢)

« ويا چه کسی است که دعای درمانده راهنگامی که ازاو کمك می خواهد اجابت می کند ، وبلا ومصیبت را دور می سازد ؟ وشما را برروی زمین جانشین پیشینیان می گرداند ؟ آیا معبود برحقی جز اللّه تعالی وجود دارد ؟ بسیار کم پند می پذیرید »

﴿ وَمَنْ أضَلُّ ممَّن يَدْعُوا مِن دُون اللهِ من لا يَسْتَجيبُ لَهُ إلى يومِ القيامةِ و هم عن دعائِهِم غافلون ، وإذا حُشِرَ النَاسُ كانوا لهم أعَداءً وكانوا بعبادتهم كافرين ﴾

(سورة الأحقاف / ٥ ، ٦)

« وکیست گمراه تر از کسیکه بخواند جز اللّه ، آنانی راکه دعای او را هرگز إجابت نخواهندکرد ، واز دعا وطلب او بیخبرند . ودر روز قیامت هنگامیکه مردم حشر می شوند این معبودات باطل دشمنان کسانی خواهند بود که بسویشان دست دعا بلند کرده بودند ، واین عبادت ایشان را انکار وتکذیب خواهند کرد . »